

# ۱۰ کارمند اول اپل اکنون کجا هستند؟ - دیجیاتو

محسن عارفی | شنبه، ۱۱ دی ۱۳۹۵

نام کمپانی اپل برخلاف سایر کمپانی های مشهور جهان، مستقیماً با یک نام، یعنی «استیو جابز» عجین شده است؛ بی شک استیو جابز نیروی اصلی در تبدیل اپل به با ارزش ترین کمپانی فعال در حوزه تکنولوژی در جهان بود، اما این در حالی است که جابز در راه موفقیت این برند مشهور تنها نبود بلکه همیشه تیمی از افراد بسیار مستعد در کنار خود می دید که او را در مسیر موفقیت همراهی می کردند. شاید برای بسیاری از کسانی که تنها استیو جابز را عامل این موفقیت می دانند، شناخت بنیان گذاران اپل و 10 کارمند نخست این کمپانی خالی از لطف نباشد.

«مایکل اسکات» (Michael Scott)، نخستین مدیرعامل تاریخ اپل بود که در روزهای نخست فعالیت این کمپانی، تصویر جذابی از آن ارائه کرد؛ در همان ایام، «استیو وزنیاک» (Steve Wozniak)، با تهیه فهرستی از کارمندان نخست اپل، به این پیشرفت کمک کرد.

همچنین، شماره پرسنلی کارمندان اپل، به ترتیب زمانی که هر یک وارد این کمپانی شدند، نیست. هنگامی که اسکات به عنوان مدیرعامل، به اپل وارد شد، می بایست به هر یک از کارمندان خود شماره ای تخصیص می داد تا تمام فرآیندهای کاری آنها اعم از پرداخت حقوق و مزایا تسهیل می شد؛

این گزارش نگاه کوتاهی دارد به سرگذشت 10 کارمند نخست اپل که در واقع بانیان این برند مشهور هستند.

## «گری مارتین» (Gary Martin)



گری مارتین، حسابدار اپل بود. او تا پیش از پیوستن به شرکت مذکور، تصور می کرد که این کمپانی شکست خواهد خورد اما به هر ترتیب به اپل پیوست و تا سال 1983 میلادی هم در این کمپانی مشغول به فعالیت بود.

فعالیت در اپل، سکوی پرتاب او به کمپانی Starstruck شد که در حوزه مسافرت های فضایی فعالیت می کرد. او پس از آن، به مدت چند دهه نیز در شرکت های مختلف در سمت مدیر ارشد مالی خدمت کرد.

## «شری لیوینگستون» (Sherry Livingston)



لیوینگستون، دست راست نخستین مدیرعامل اپل و نخستین منشی در کمپانی اپل بود که نقش بسیار پر رنگی در این کمپانی داشت. مایکل اسکات که مسئول مستقیم استخدام او بود، درباره لیوینگستون می گوید: «او در نخستین روزهای شکل گیری اپل، واقعا کارهای فوق العاده و عجیبی برای این کمپانی انجام داده است.»

## «کریس اسپینوزا» (Chris Espinosa)



کریس اسپینوزا، از دوران دبیرستان تاکنون در اپل مشغول است؛ کریس وقتی که تنها 14 سال داشت به کمپانی اپل پیوست و همچنان هم یکی از کارکنان این کمپانی به شمار می رود. از او به عنوان با سابقه ترین کارمند اپل نیز یاد می شود.

اسپینوزا در وبلاگ شخصی خود درباره اینکه چرا با وجود آنکه جزو نخستین پرسنل اپل بوده اما با این حال شماره پرسنلی «8» به او تخصیص یافته می گوید: «آن روز مدرسه بودم و دیر به محل کار رسیدم؛ بنابراین، شماره نادرست به من داده شد.»

## «مایکل اسکات» (Michael Scott)



«مایکل اسکات»، ملقب به اسکاتی، مدیرعامل اصلی اپل محسوب می شود؛ با اینکه اسکات نخستین مدیرعامل تاریخ اپل است، اما شماره پرسنلی 7 را به خود تخصیص داده و نیت خود از این کار را یک «شوخی» اعلام می کند؛ اسکات می گوید: «این شماره تداعی کننده، فیلم 007 جیمز باند است.» آن طور که گفته می شود، اسکاتی شخصا شماره پرسنلی کارمندان خود را انتخاب کرده و این کمپانی را سازماندهی کرده است.

اسکات، توسط «مایک مارکولا» (Mike Markkula)، فردی که 250 هزار دلار روی اپل سرمایه گذاری کرد و به طراحی بیزنس پلن (طرح کسب و کار) آن کمک کرد، به عنوان مدیرعامل انتخاب شده است.

## «رندی ویگینتون» (Randy Wigginton)



رندی ویگینتون در کمپانی های مشهور و فعال در حوزه فناوری کار کرده است؛ به گفته اسکات، مهمترین کاری که ویگینتون انجام داد، بازنویسی زبان برنامه نویسی بیسیک (BASIC) بود و بدین ترتیب استفاده از این زبان برنامه نویسی در کامپیوترهای خانگی «اپل II» ممکن شد. ویگینتون، پس از جدایی از اپل، در کمپانی های مطرحی چون eBay، Google، Chegg و Square فعالیت کرد که بنظر هم موفقیت قابل توجهی محسوب می شود.

## «رود هولت» (Rod Holt)



رود هولت، یک فرد فوق العاده مهم در توسعه کامپیوتر Apple II محسوب می شود. هولت یک طراح بسیار مشهور بود که در ابتدا برای پیوستن به کمپانی اپل تردید زیادی داشت. اما او در کتاب «بازگشت به پادشاهی کوچک» ([Return To The Little Kingdom](#))، کتابی که در سال 1984 میلادی با موضوع داستان توسعه اپل منتشر شد، می گوید: «استیو جابز مرا متقاعد کرد تا این شغل را برعهده گیرم».

هولت، به توسعه بخش سیستم تغذیه کامپیوتر Apple II کمک شایانی کرد. وی اذعان کرد که پس از 6 سال فعالیت در کمپانی اپل، مدیریت جدید او را به نوعی وادار به خروج از شرکت کرده است.

## «بیل فرناندز» (Bill Fernandez)



بیل فرناندز، نخستین فردی است که پس از استیو وزنیاک و استیو جابز در اپل استخدام شد و اولین بار در دبیرستان «کوپرتینو»، با استیو جابز که تازه به این دبیرستان وارد شده بود، آشنا شد. فرناندز، علاوه بر این، با استیو وزنیاک نیز دوست و همسایه بود. فرناندز، در صفحه شخصی خود در لینکدین اینگونه معرفی شده است:

*بنیانگذاران اپل، یعنی وزنیاک و جابز را معرفی کرد اما بعدها توسط خود آنها، به عنوان نخستین فرد، به استخدام این کمپانی در آمد و سپس عهده دار پست های بسیاری در کمپانی اپل شد؛ ابتدا در بخش سخت افزار و بعدها در بخش توسعه نرم افزار و در نهایت در طراحی رابط کاربری، در اپل فعالیت کرد. او یکی از افرادی بود که به طور جدی روی کامپیوترهای Apple-1، Apple-2 و مکینتاش و همینطور پروژه های زیاد دیگری کار کرد. او همچنین روی پروژه های نرم افزاری متعددی نظیر MacOS، QuickTime و HyperCard نیز کار کرد.*

وقتی استیو جابز و وزنیاک، کمپانی اپل را بنیان نهادند، فرناندز را به عنوان نخستین کارمند استخدام کردند و او تا سال 1993 در این کمپانی به فعالیت خود ادامه داد و سپس اپل را به

مقصد کمپانی Ingres، که یک بانک اطلاعاتی بود، ترک گفت. او در حال حاضر به عنوان مدیرعامل کمپانی Omnibiotics، فعالیت می کند.

## «مایک مارکولا» (Mike Markkula)



مایک مارکولا را در واقع باید عابر بانک اپل نامید؛ مارکولا به همان اندازه استیو جابز و استیو ورنیاک، در پیشرفت و توسعه اپل، نقشی محوری داشت. او یک سرمایه گذاری 250 هزار دلاری در اپل انجام داد و در ازای این سرمایه گذاری، 30 درصد سهام کمپانی اپل را صاحب شد و طرح کسب و کار (بیزنس پلن) اپل را ارائه کرد. مارکولا، نخستین مدیرعامل اپل را استخدام کرد و برای پیوستن ورنیاک به این کمپانی پافشاری زیادی کرد. این اتفاق زمانی افتاد که مارکولا در فکر پیوستن به کمپانی HP بود.

مارکولا، از کارمندان پیشین کمپانی اینتل بود و در سن 30 سالگی، با تبدیل شدن این کمپانی به سهامی عام، میلیاردی شد. آن طور که در کتاب «بازگشت به پادشاهی کوچک» ذکر شده، مبلغی که او در کمپانی اپل سرمایه گذاری کرد، کمتر از 10 درصد ثروتش در آن زمان بود.

او تا سال 1997 میلادی در کمپانی اپل مشغول به فعالیت بود و در این مدت شاهد دو اتفاق مهم یعنی برکناری و بازگشت دوباره استیو جابز به اپل بود. با بازگشت دوباره جابز، این بار مارکولا اپل را ترک گفت. او از آن زمان تاکنون، در چندین و چند استارتاپ سرمایه گذاری کرده و کمک های مالی زیادی هم به دانشگاه «سانتا کلارا» و «مرکز اخلاق کاربردی مارکولا» داشته است.

## «استیو جابز» (Steve Jobs)



استیو جابز مرد شماره 2 اپل شد؛ دلیلش هم این بود تا به نوعی از او زهر چشم بگیرند. مایکل اسکات درباره اینکه چرا استیو جابز به جای آنکه مرد شماره یک اپل نام بگیرد، عنوان کارمند شماره 2 به او اعطا شد، می گوید: من خودم این کار را نکردم چون معتقدم عنوان «نفر اول» برای او زیاد است. همانطور که همه می دانند، جابز یکبار از اپل اخراج شد و بعد از آن استارتاپی تحت عنوان NeXT راه اندازی کرد. او بعدها دوباره به اپل بازگشت و این کمپانی را به دوران شکوه خود بازگرداند. او همچنین در این مدت مدیریت کمپانی مطرح Pixar را عهده دار بود. جابز در نهایت، در اکتبر 2011 درگذشت.

## «استیو ورنیاک» (Steve Wozniak)



وزنیاک، هنوز به طور کامل به اپل نپیوسته بود که پیشنهادی جدی از سوی کمپانی HP واقع در ایالت اورگن آمریکا دریافت کرد و قصد داشت به این کمپانی برود اما در نهایت بهترین تصمیم را گرفت و روانه اپل شد. با گذشت سالها، «وُز» (نامی که وزنیاک را با آن می شناسند) در دره سیلیکون، هنوز هم یک چهره است، سخنرانی و مصاحبه می کند و در شوهای تلویزیونی مختلف حضور می یابد.

## «رونالد وین» (Ronald Wayne)



رونالد وین، در زمان مدیریت استیو وزنیاک و استیو جابز، یکی از شرکای اصلی اپل محسوب می شد اما متوجه شد که او برای اینگونه کارها ساخته نشده است. بنابراین، کمپانی اپل را ترک گفت. برای رسمیت بخشیدن به این جدایی، وزنیاک در سال 1977 میلادی، سهام وین را به ارزش 1700 دلار خریداری کرد.

وین در سال 2012 میلادی، با انتشار یادداشتی، دلایل جدایی خود از اپل را بازگو کرد؛ او در این یادداشت نوشت:

*جدایی من از اپل، ارتباطی به بی میلی من نسبت به مفهومی به نام محصولات کامپیوتری نبود؛ همچنین فارغ از هرگونه نگرانی و دستپاچگی درخصوص ریسک های مالی، تنها به این دلیل به همکاری با اپل پایان دادم که احساس کردم این شرکت جدید همان محیط کاری است که فکر می کنم، خصوصا برای سالهای پایانی عمرم، برای من مناسب تر باشد. من همه جور به اپل و موفقیت آن ایمان داشتم اما نمی دانستم این موفقیت چه زمانی محقق می شود و برای رسیدن به آن باید از چه چیزهای می گذشتم یا آنها را قربانی می کردم.*

*برای پاسخ به شایعاتی که تا همین اواخر در مطبوعات به من نسبت داده شده باید بگویم که من هرگز میلیاردها دلار خود را نباخته ام. صحبت از یک زمان طولانی، حد فاصل سالهای 1976 تا 2012 میلادی است. اپل در این مدت و در راه رسیدن به بلوغ خود، بارها و بارها زمان های سختی را تجربه کرده و همه تصور می کردند این کمپانی بالاخره از رقابت خارج می شود. شاید با این تصمیم خود ده ها میلیون دلار را از دست داده باشم اما صادقانه می گویم، این تصمیم شخصیت من را شکل داد.*

[دیجیاتو](#)